



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۳/۰۷

ملالی موسی نظام

وحدت ملی و ترویج اصطلاح افغانستانی

تا یک نفر افغان است، زنده افغانستان است

«سافرانسکو، اگست، ۲۰۰۶»

مقدمه:

با اینکه استعمال اصطلاح نامأنوس و نا مفهوم «افغانستانی» که در چنین مقطع حساس تاریخ افغانستان عزیز، دیر هاست همانطوریکه منحصیث یک محصول وارداتی، از خارج افغانستان توسط گروهی از بیهوینان مروج گردیده بود، مانند خس سر آب، در اثر نداشتن علل و انگیزه ملی و مردمی و منطق و استدلال قانونی، هما نظوری که آمده بود، ناپدید گردید، ولی چون اقلیتی معلوم الحال بعد از سال ها، به کنار زدن خاکستر آن، باز هم به افروختن آتش نفاق و شقاق بین اقوام ذیحق و شریف کشور، فعالیت های بی سر انجام و مذبحخانه ایرا آغاز نموده اند، ناگزیر توجه هموطنان معزز را به مطالبی از اینجانب که در کانفرانسی در ماه اگست سال ۲۰۰۶ میلادی در منطقه سان فرانسکو برای بزرگداشت از وحدت ملی و امحای تفرقه اندازی بین اقوام و مردم افغانستان، دائر گردیده بود، یکبار دیگر جلب مینمایم. امید است نشر دوباره این اثر جوابی هم برای آن عده ای باشد که با اشتهاارات اینکه اولیای امور افغانستان دست به تبعیضات قومی «!؟» میزنند، ذهنیت هموطنان را مغشوش می نمایند):

حضر نهایت گرامی و محترم، میرمن ها و آقایان، امیدوارم احترامات صمیمانه مرا بپذیرید. جای خوشی است که به دعوت جمعیتی از هموطنان و خبرگان ملی گرا در محفلی که به منظور تحکیم وحدت ملی، امحای تبعیض و تفرقه اندازی و در مجموع برای یک پارچگی ملت شریف افغان دایر گردیده است اشتراک مینمایم.

با اجازه شما، سخن رابا گلچینی از احساس قلبی شاعر پر مایه افغان محمد نسیم اسیر آغاز مینمایم :

بنارم همت مام وطن را	به دامن پروریده تو و من را
کهن بوم و بر پر افتخارم	همان افغانستان نامدارم
به این نام است شان و شوکت ما	ز افغان پایه های وحدت ما
بنام قوم اگر باهم ستیزیم	بنای وحدت از بنیاد ریزیم
مباش اندر پی ویرانی بی خود	اساس بی سرو سامانی خود
«اسیر» آرزومند تو گوید	به عجز و انکسار از تو بجوید

که گر پرسد کسی از تو نشانی

بگو افغان، مگو افغانستانی

به همه ما معلوم است که در افغانستان جنگزده ویران، در پهلوی مشکلات بیشمار سیاسی و اجتماعی، معضله عدم وجود يك وحدت ملی واقعی که بتواند تمام اقوام شریف مملکت را متحد و همگام بسازد، کاملاً محسوس می‌باشد. گذشته از نابسامانی های سه دهه جنگ و اثرات نا فرجام آن، جامعه افغانی همچنان بامشکلات بیشمار اجتماعی و تحریکات مغرضانه روبرو می‌باشد، چنانچه در اثر عدم وجود يك حکومت مرکزی قوی و عدم استقرار سیاسی که سبب انهدام و ویرانی بنیادی در افغانستان شده است، برای دشمنان و همسایگان طماع باز هم زمینه تجاوزات مکرر را چه مستقیم و چه توسط عمال اجبر داخلی شان امکان پذیر ساخته است. شراندازی دائمی پاکستان، مداخلات ابدی روسیه وگماشتگان داخلی وابسته به آن، دسائس پنهان و آشکار آخوند های ایران وجواسیس روز افزون آنها همه و همه برای يك هدف مشترکی که امحای اتحاد ملی و دامن زدن به تفرقه های قومی و لسانی مردم ماست، صورت می‌گیرد.

از نگاه حقوقی، بدون شک تمام مردمی که در ساحه جغرافیایی افغانستان بسر می‌برند و در مقابل قانون دارای حقوق و وجایب مساوی هستند، «افغان» می باشند و البته والیته اقلیت های مهاجر افغان در ممالک میزبان هم با حفظ تابعیت افغانی خویش، خود را «افغان» می شمارند. بنابراین، در مجموع همه باشندگان مملکت بهر نژاد، قوم، دین و مذهبی که متعلق باشند و به هر لسانی که تکلم نمایند، تحت اسم واحد و افتخار آفرین «ملت افغان» شناخته میشوند.

آیا درین ادعای میان خالی، در مورد افتخارات تاریخی افغانستان میشود گفت که در قرن ۱۹ و ۲۰ جنگ اول و دوم «افغانستانی» و انگلیس به شکست دولت استعماری برتانیه انجامیده است؟! چنانچه هرگز شنیده نشده است که شکست خفت آور اتحاد شوروی سابق ذریعه «افغانستانی» ها صورت گرفته است و هرگز هم گفته و شنیده نخواهد شد.

در گروپ تفرقه اندازان ملی یکی هم باید از جمیعت کوچکی یاد آور شد که مذبحخانه در تلاش تفرقه اندازی و جداسازی اقوام شریف افغانستان از همدیگر می باشند. مشاجره از آنجا آغاز یافت که برخی از شاگردان جاسوس ایرانی «چنگیز پهلوان» که نامبرده به دیدار احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی بعد از فرار آنان از پایتخت نشسته به خون و ویران، هم رفته بود، از هویت «افغان» منکر شدند و خود را «افغانستانی» نامیدند، این مطلب ظاهراً ساده کلیه ارزش های وحدت ملی را که طی صد ها سال با نام «افغان» شکل گرفته و استحکام یافته است، نزد عده ای محدود به سوال مواجه ساخت.

اینان که خود نظر به غیر قانونیت ادعای شان از یکطرف و نامأنوس بودن اصل مفکوره از جانب دیگر، میدانند که مبارزه بی چنین بی محتوی، راه بجایی ندارد، باز هم نظریه نوعی سرسپردگی و وابستگی عمیق آنان به همسایه غربی افغانستان، در تضعیف روحیه وحدت ملی در مجادله و تلاش اند. این گروه که بر گذشته خیلی دور استناد ناقص و بی اساسی می نمایند، ادعا دارند که در گذشته به اصطلاح کلمه «افغان» برای اکثریت پشتون استعمال میگردید، امروز نباید دیگر اقوام مملکت تحت این اسم پر افتخار گنجانیده شوند. اینان درین مقطع حساس تاریخ، تمام مشکلات اساسی و بنیادی ملت و مملکت را به فراموشی سپرده با «افغانستانی» نامیدن کاملاً ظاهری خویش علم تفرقه و دوگانگی را بر افراشته اند. اقلیت مذکور انگشت رد به تمام ارزش های وحدت ملی می گذارند که در پناه آن قرون متمادی اقوام شریف افغانستان در اتحاد کامل با اسم پر افتخار ملت مبارز و متحد «افغان» از ناموس وطن دفاع نموده اند، منجمله از شکست بریتانیای کبیر در قرن ۱۹ و ۲۰ و شکست شرم آور اتحاد شوروی سابق در قرن ۲۰، یاد آور میگردیم که مبارزه و جهاد مجموعی و مقدس يك ملت سرسپرده متحد را در صفحات تاریخ تثبیت مینماید.

در مورد تحلیل لغوی نا متجانس کلمه «افغانستانی» باید گفت در حقیقت کلمه افغانستان که مرکب از واحد «افغان» - اسم خاص، به منزله مردم یک سرزمین و پساوند «ستان»، منحیث جای بود و باش همان مردم می‌باشد، در حقیقت اسم مبارک «افغانستان» فقط معنای سرزمین افغان ها رامیدهد نه چیز دیگری. پس باور

میکنیم که بدون هیچ شك و شبه ای، عنصر اصلی ترکیب افغانستان همانا کلمه «افغان» است. وقتی که کلمه «افغانستان» با چنین شرط و شاخص هایی ترکیب گردید، دیگر نمیتوان «ی» نسبتی غیر مجازی را در آغوش افزود و کلمه «افغانستانی» را ساخت، به امید اینکه بدیل و جانشین کلمه «افغان» قرار گیرد. همان قسمی که وقتی ترکیب انگلستان از کلمات «انگلیس» و «ستان» پدید گردید، دیگر نمیتوانیم کلمه انگلستانی «!» را بسازیم و بجای انگلیس استعمال نماییم در حالیکه مانند کلمه «افغان» که ملتی را معرفی می نماید، کلمه «انگلیس» همچنان منحصراً یک اسم خاص، ملت دیگری را معرفی میکند.

منطق سلیم و منطق زبان که گرامر نامیده میشود، همین حکم را میکند، اما «افغانستانی - گویان» کجا و منطق زبان کجا؟! بلی گیرمندان در گرداب نفرت و تعصب قومی و زبانی و رفتن در خندق بیگانه پرستی، آزادی تفکر و تعقل انسان را چنین به تاراج میبرد.

حال ببینیم استعمال کلمه غیر مجاز «افغانستانی» که ریشه پذیرش در ادب دری نداشت، از نگاه حقوقی چه عواملی را بار می آورد و نتیجه گیری از آن به جز از تلاشی برای تضعیف مفکوره وحدت ملی و تفرقه قومی چه میتواند باشد:

اول - از نگاه حقوق اساسی: درین مورد قانون اساسی ۱۳۸۲ هجری شمسی مطابق به ۲۰۰۳ میلادی چنین صراحت دارد:

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی، و سائر اقوام میباشد.
بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه «افغان» اطلاق میشود. فصل اول - ماده چهارم.

بنابراین در مجموع همه باشندگان مملکت بهر نژاد، قوم، دین و مذهبی که متعلق باشند و بهر لسانی که تکلم نمایند، تحت اسم واحد و افتخار آفرین «ملت افغان» شناخته میشوند.

چون مواد قانون اساسی تنها توسط احضار لویه جرگه و اشتراک نمایندگان مردم افغانستان قابلیت تغییر و تعدیل را دارا میباشد، برای استعمال قانونی «!» کلمه نا مفهوم افغانستانی که از هرگونه ارزش حقوقی میرا است، همچنان باید لویه جرگه که عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان است، احضار گردد و دقیقاً اکثریت به آن تغییر رأی دهند! بنابراین، «افغانستانی» نامیدن غیر قانونی کاندید سابق ریاست جمهوری لطیف پدram مربوط به رژیم وابسته به اتحاد شوروی سابق؛ همکار داکتر نجیب و وابسته شورای نظار فعلی، خود محکی بود درین مورد؛ دیده شد که چگونه موجبات خشم و اعتراضات مردم را شدیداً فراهم نمود و سبب ناکامی مطلق نامبرده و بیهویتان «افغانستانی» وی گردید.

دوم از نگاه حقوق جزاء: چونکه معضله استعمال کلمه «افغانستانی» پدیده بی سابقه، جدید و وارداتی يك اقلیت کوچک وابسته به غیر میباشد و از عمق اجتماع و کلتور اصیل افغانی در طی عصار و قرون نشأت ننموده است، هنوز بازخواست قانونی خاصی برای آن موجود نیست. ولی در آینده با پیروی از مواد قانون اساسی میتوان در چوکات قوانین عادی درین مورد اشد مجازات را پیش بینی نمود. چون استعمال غیر مجاز کلمه «افغانستانی» بر گروهی از افراد ملت «واحد افغان»، که جداً نقیض قانون واقع میگردد، از هر نوع ارزش حقوقی میرا است. درین مورد قانون اساسی ۱۳۸۲ هجری شمسی مطابق به ۲۰۰۳ میلادی چنین صراحت دارد:

هیچ شخصی نمیتواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند. فصل دوم - ماده ۵۹

همه میدانیم که ترویج استعمال کلمه نا مأنوس «افغانستانی» به منظور تفرقه اندازی بین اقوام شریف افغانستان یک پدیده وارداتی کاملاً پلان شده غیر و عمال وطنی آن بوده و اصلاً برای امحای وحدت ملی بوجود آمده است.

سوم - از نگاه حقوق بین الدول: درمورد روابط افغانستان با دنیای خارج، اعم از روابط دیپلوماسی و معاهدات فیما بین مملکتی و عضویت افغانستان در موسسات بین المللی از قبیل موسسه ملل متحد و امثالهم، همیشه مملکت ما بنام «افغانستان» و ملت ما بنام «افغان» رسماً پذیرفته و شناسایی شده است. بنابراین، زمینه قبول شده رسمی برای «افغانستانی» بودن قسمتی از «ملت افغان» در دنیای خارج، به هیچ وجه مطرح شده نمیتواند.

به وضاحت دیده میشود که طرفداران این مفکوره علی الرغم قلم فرسایی های بی موجب و شعار های مذبحخانه میان تهی خویش، خود نیز در داخل مملکت و خارج به بی هویتی و «افغانستانی» بودن خود ها «عملاً» باور و اعتقادی ندارند. از تذکره هویت، پاسپورت و غیره اسناد رسمی و تجارتي در داخل مملکت، تا اسناد هویت از قبیل گرین کارت، قرار دادهای رسمی و تجارتي و غیره در خارج افغانستان، شاهد این حقیقت می باشد که مبارزین و قلم بدستان «افغانستانی» هرگز توان اثبات ادعای بی اساس خود ها را نداشته و خویشان را رسماً و عملاً «افغان» مینامند.

در مجادله ناکام اقلیت تفرقه اندازان، تعداد معدودی از نشرات بیرون مرزی از آن جمله دو هفته نامه معلوم الحال «امید» و تلوزیون کاملاً شناخته شده «خراسان» را که فعالیت کاملاً ضد ملی و پشتون ستیزانه دارند باید نام برد که مذبحخانه در تلاش تبدیل اسم پر افتخار «افغانستان» به خراسان، تغییر لسان اصیل دری افغانستان به فارسی فرهنگستان ناکام ایران و تعمیل اطلاق کلمه «افغانستانی» بر قسمتی از ملت شریف «افغان» میباشند. درحالیکه، خوشبختانه اکثریت وسیع جراید، مجلات، نشرات تلوزیونی و سایت های انترنتی ملی گرای داخلی و خارجی جهانی وابسته به منافع مردم افغانستان و منافع علیای کشور، در مبارزه دایمی برای استحکام وحدت ملی، تمامیت ارضی، امحای تفرقه اندازی و تبعیضات قومی و لسانی قرار دارند.

در پایان با قرائت این بیت پر معنی از مسدس جناب محمد اختر برکی شما را به خداوند میسپارم:

خانه ام افغان ستان و جمله اقوام وطن صاحب این خانه ائیم و خادم مام وطن
متحد بودیم، جان دادیم بر نام وطن خصم را کشتیم مادر کوچه و بام وطن
قوم افغان را تو از هم تیت و پاشان میکنی
خانه ویران، خانه مارا تو ویران میکنی

زنده باد افغانستان! جاوید باد اتحاد ملت شریف و با شهامت افغان